

مسئولیت حقوقی بین‌المللی دولت عربستان در قبال فاجعه منای ۱۳۹۴ و سازوکارهای پیگیری آن

پوریا عسکری* وحید بذار** مینو خوش‌لسان***

چکیده

ازدحام جمعیت در منطقه منا، در مراسم حج سال ۱۳۹۴ ش/ ۲۰۱۵ م، خانواده‌های بی‌شماری را که منتظر بازگشت حاجیان خود از سرزمین وحی بودند، داغدار کرد. گرچه اسامی اتباع سی کشور در میان فهرست قربانیان قرار داشت، اما ایرانیان با از دست دادن ۴۶۴ حاجی، در صدر دولت و ملت‌های داغ‌دیده قرار گرفتند. به دلیل سانسور شدید اخبار این حادثه و عدم پاسخگویی مقامات عربستان، سبب و مسبب واقعی این واقعه کماکان نامشخص است. از این رو مواردی همچون سوء مدیریت مأموران و مقامات عربستان در مدیریت و اجرای مناسب مراسم حج، تقصیر حجاج در ایجاد این فاجعه و حتی تلقی این سانحه به عنوان فورس‌ماژور و یک رویداد خارج از کنترل، در خصوص سبب اصلی این رویداد ذکر شده است که البته هیچ‌کدام از این موارد، علی‌الاصول نافی مسئولیت دولت عربستان نخواهد بود. در این مقاله سعی شده است با بررسی فروض مختلف مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان، امکان‌سنجی پیگرد قضایی و شبه قضایی موضوع در مراجع حقوقی داخلی و بین‌المللی مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد. کلیدواژه‌ها: منا، حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی، حقوق بشر.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی. (pouria.askary@gmail.com)

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. (vahid-

bazaar@gmail.com) (نویسنده مسئول)

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه

طباطبایی. (minookhoshlesan@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۶

در مراسم حج تمتع، حدود سه میلیون زائر از ۱۸۰ کشور جهان، در یک دوره بیش از یک هفته‌ای در مکه گرد هم می‌آیند؛ شهری مقدس که در سال، پذیرای بیش از ده میلیون زائر است. دوم مهرماه ۱۳۹۴، روز تلخی برای حاجیان حاضر در مکه و همچنین همراهان و خانواده‌های آنان بود. در این روز، برخی از حجاج، که برای انجام فریضه حج در منطقه منا حضور داشتند، به علت ازدحام جمعیت جان خود را از دست دادند. گرچه این فاجعه از زائران سی کشور قربانی گرفت، وجود نام ۴۶۴ حاجی ایرانی در میان فهرست کشته‌شدگان موجب شد تا ملت ایران بزرگ‌ترین قربانی این حادثه لقب گیرد. (Salamati and Rahimi-Movaghar, 2016, p. 1)

واکنش مقامات کشورهای متنوع قربانیان این فاجعه، متفاوت بود. اغلب این دولتمردان، ترجیح دادند سکوت کنند و حتی برخی از آنها، از جمله مقامات بحرین و کویت، پس از پایان مراسم حج سال ۱۳۹۴، برگزاری موفق مراسم حج را به سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان سعودی، تبریک گفتند.^۱

تا لحظه نگارش این سطور، هنوز هیچ پولی از سوی عربستان، به عنوان خون‌بها یا غرامت، به بازماندگان قربانیان ایرانی این حادثه پرداخت نشده است. البته بازماندگان قربانیان، به موجب قرارداد با شرکت بیمه ایران، هر یک مبلغ ۵۵ میلیون تومان دریافت کردند. درحالی‌که دیه کامل انسان، ۱۶۵ میلیون تومان و دیه قربانیان فاجعه منا، چون که این فاجعه در ماه حرام رخ داده بود، ۲۲۰ میلیون تومان است.^۲ نوشتار حاضر در دو بخش تنظیم شده است: در بخش نخست، مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان در قبال فاجعه منا، در فروض مختلف تجزیه و تحلیل می‌شود و در بخش دوم، سازوکارهای پیگیری فاجعه منا، در مراجع داخلی و بین‌المللی، بررسی می‌گردد.

۱. فاجعه منا و امکان سنجی مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان

مسلمان حج‌گزار، فرد بیگانه‌ای قلمداد می‌شود که با اخذ روادید و به صورت قانونی وارد سرزمین عربستان شده است و به موجب حقوق بین‌الملل باید مورد حمایت باشد. به طور کلی، به موجب مقررات بین‌المللی حقوق بشر، هر دولتی با پذیرش اتباع بیگانه در کشور خود، ملزم به رعایت مجموعه‌ای از استانداردهای بین‌المللی ناظر بر رفتار با خارجی‌ان است که نقض آنها به ایجاد مسئولیت بین‌المللی آن دولت منجر خواهد شد و امکان رسیدگی به حق نقض شده از فرد بیگانه را در مراجع بین‌المللی فراهم خواهد آورد. (Tudor, 2008, p. 61) در واقع، نظریه مسئولیت بین‌المللی برای صدمه به بیگانه، بر اساس این واقعیت شکل گرفته است که صدمه به بیگانه، به منزله صدمه به دولت متبوع وی تلقی خواهد شد. (Sornarajah, 2010, p. 121)

در این حادثه نقض حقوق بشر بسیار مشهود است. بدون تردید، مهم‌ترین حق بشری نقض شده حجاج متوفا، حق حیات است که به عنوان یک حق غیر قابل تعلیق، نادیده گرفتن آن حتی در شرایط اضطراری نیز اجازه داده نشده است.^۳ نقض کرامت انسانی، امنیت فردی، آزادی رفت و آمد، حق دسترسی به کمک‌های بهداشتی و دارویی، حق دسترسی به اطلاعات، حق بر آب سالم، حق دسترسی اتباع به خدمات کنسولی و حق بر دادرسی عادلانه را می‌توان به عنوان دیگر حق‌های بشری نقض شده قربانیان فاجعه منا ذکر کرد. (مشهدی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲-۱۳۸)

البته باید توجه کرد که نقض هر یک از تعهدات حقوق بشری از سوی عربستان در زمان‌های متمایزی قابل طرح است، برای مثال، حق حیات و امنیت فردی، قبل از وقوع حادثه، حق بر آب سالم و بهداشت در حین وقوع و پس از حادثه و حق دسترسی کنسولی و مواردی از جمله حق بر دادرسی عادلانه - که شامل جبران خسارت نیز می‌شود - پس از وقوع حادثه، نقض گردیده‌اند. همچنین، ممکن است عده‌ای گمان کنند که تعهدات مصرح در اسناد بین‌المللی حقوق بشر جنبه فرامرزی

ندارد که در پاسخ به این ایراد می‌توان اعلامیه مجمع عمومی در خصوص حقوق بشر افرادی که تبعه کشور نیستند (۱۹۸۵) را ذکر کرد که بر رعایت حقوق بشر بیگانگان یا خارجیانی که به طور قانونی در قلمرو دولت پذیرنده به سر می‌برند، تأکید می‌کند. (وکیل، ۱۳۹۵، ص ۸۶)

به دلیل سانسور خبری شدید در زمان وقوع حادثه و پاسخگو نبودن مقامات عربستانی و عدم بررسی علل وقوع فاجعه منا (به عنوان مثال به وسیله یک کمیسیون حقیقت‌یاب)، سبب یا اسباب اصلی وقوع این فاجعه مشخص نیست. بنابراین نویسندگان این مقاله تمامی فروض مطرح شده و ممکن در خصوص واقعه را در چهار سرفصل کلی مشتمل بر تقصیر دولت و نیروهای امنیتی عربستانی، تقصیر حجاج قربانی، رضایت زیان‌دیده و تلقی حادثه منا به عنوان یک امر غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل کنترل، بر اساس حقوق مسئولیت بین‌المللی بررسی خواهند کرد.

الف) مسئولیت بین‌المللی در فرض تقصیر نیروهای امنیتی و دولتی عربستان

اگر وقوع فاجعه منا را ناشی از سوء مدیریت مأموران و مسئولان امنیتی مکه یا مقامات دولتی بدانیم، مسئولیت بین‌المللی عربستان به سادگی قابل طرح است. طبق طرح مسئولیت بین‌المللی دولت (۲۰۰۱)، رفتار هر ارگان دولتی، رفتار آن دولت در حقوق بین‌الملل قلمداد خواهد شد و قابل انتساب به آن دولت است^۴ و این رفتار اعم از فعل یا ترک فعل است.^۵ باید توجه داشت که صرف مجازات متخلفان به وسیله دولت عربستان، مسئولیت بین‌المللی این دولت را منتفی نمی‌کند و این مسئولیت باید از طرقی که در حقوق مسئولیت بین‌المللی برای جبران یک عمل متخلفانه بین‌المللی پیش‌بینی شده است - از جمله پرداخت غرامت، جلب رضایت، عذرخواهی رسمی یا تضمین عدم تکرار حادثه - جبران شود.^۶

بر اساس معاهده مودت میان ایران، حجاز، نجد و ملحقات آن (۱۳۰۸) (ماده ۳)، «هر یک از طرفین معظمین متعاهدین متعهد می‌شوند که طرف متعاهد دیگر را در مملکت

خود از جمیع حقوق و مزایایی که اتباع ملت کامله الوداد^۷ از آن بهره‌مند می‌گردند، برخوردار سازند. حکومت اعلیٰ حضرت پادشاه حجاز، نجد و ملحقات آن ملزم می‌گردد که نسبت به حجاج ایرانی، از هر حیث، مثل سایر حجاجی که به بیت الله الحرام می‌روند، معامله و رفتار نماید و اجازه ندهد که نسبت به حجاج ایرانی، در ادای مناسک حج و فرایض دینی آنها هیچ‌گونه مشکلاتی ایجاد شود.^۸ از آن جایی که، طبق حقوق بین‌الملل، جانشینی دولت‌ها بر تعهدات مربوط به استفاده از سرزمین - که از سوی دولت سابق و پیش از تاریخ جانشینی، طبق یک معاهده، به نفع دولت خارجی پذیرفته شده است - تأثیری نمی‌گذارد،^۹ معاهده مزبور در سرزمین کنونی عربستان لازم‌الاجراست.

حتی اگر نتوانیم وقوع فاجعه منا را ناشی از فعل دولت عربستان تلقی کنیم، این دولت بدون تردید به واسطه ترک فعل خود در رابطه با کمک به صدمه‌دیدگان پس از وقوع حادثه مسئول قلمداد خواهد شد. پس از وقوع حادثه، مأموران عربستانی حاضر در محل، افزون بر اینکه با تأخیر در محل حاضر شدند^{۱۰} و پس از مداخله نیز کمک‌های لازم را به افراد مصدوم و در حال مرگ به نحو مطلوبی ارائه نکردند،^{۱۱} از اقدام سایر افراد نیز جلوگیری کردند. بر فرض صحت این موارد، دولت عربستان، تعهد خود در خصوص تلاش مقتضی به منظور رسیدگی و مدیریت اوضاع پس از وقوع فاجعه را رعایت نکرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارمندان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران، موسوم به قضیه گروگانگیری، اعلام می‌کند:

عدم امکان انتساب حمله به محل سفارت ایالات متحده آمریکا و کنسولگری‌های این کشور در شیراز و تبریز در سال ۱۹۷۹ به دولت ایران، مانع از این نیست که نتوان ایران را به عنوان یک دولت پذیرنده به سبب عدم اتخاذ گام‌های مناسب در تضمین امنیت مکان‌های مزبور - چه در جلوگیری از حمله و چه در متوقف نمودن آن در هنگام وقوع - مسئول تلقی نمود.^{۱۲}

همچنین، دولت عربستان نمی‌تواند برای گریز از زیر بار مسئولیت خود، تقصیر

شرکت‌های خصوصی را - که با آنها قراردادهای پیمانکاری در خصوص تأمین امنیت حج منعقد کرده است - مطرح کند (برای مثال شرکت G4S بریتانیایی)^{۱۳} یا موضوع مسئولیت دولت‌های متبوع برخی از این شرکت‌ها که خارجی هستند را مطرح کند. بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، رفتار چنین موجودیت‌هایی، به عنوان عمل دولتی تلقی خواهد شد که بخشی از اختیارات حاکمیتی‌اش از سوی این موجودیت‌ها اعمال می‌شود^{۱۴} و حتی اگر اقدام این شرکت‌ها یا مأموران آنها، عملی خارج از حدود اختیارات آنها باشد یا آنها برخلاف دستورات عمل کرده باشند، این اقدامات همچنان به دولت مزبور قابل انتساب است.

با این حال، اگر شرکت‌های مزبور در سمت خود، یعنی آن حوزه‌ای که به طور قانونی اجازه اعمال اختیار دولتی را یافته‌اند، اقدام نکنند، خود آنها مسئول تلقی خواهند شد.^{۱۵} به علاوه، مسئولیت مشترک^{۱۶} دولت متبوع این شرکت‌ها و دولت عربستان نیز، عربستان را از مسئولیت رها نخواهد کرد و بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)، امکان استناد به مسئولیت هر یک از این دولت‌ها برای کل خسارات وارده وجود خواهد داشت.^{۱۷} این امر از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو مورد تأیید قرار گرفت. در قضیه مزبور، علی‌رغم اینکه ورود خسارت به کشتی‌های بریتانیایی در نتیجه مین‌گذاری دولت یوگسلاوی سابق و عدم اطلاع‌رسانی دولت آلبانی به کشتی‌های مزبور در خصوص مین‌ها بود، دیوان به پرداخت کل خسارت وارده به کشتی‌های بریتانیایی از سوی دولت آلبانی حکم داد.^{۱۸}

ب) مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان در فرض تقصیر حجاج قربانی

سخنگوی رسمی وزارت کشور عربستان، در شامگاه روز وقوع حادثه، عمل نکردن حجاج به دستورالعمل‌های صادره را سبب وقوع حادثه برشمرد.^{۱۹} بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، فعل متخلفانه بین‌المللی دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت^{۲۰} است و دولت مسئول، نسبت به دولت زیان‌دیده، تعهد به

جبران کامل کلیه خسارات مادی یا معنوی وارده را دارد؛^{۲۱} تعهدی که نه به واسطه حق دولت زیان دیده، بلکه به صرف ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی و به طور خودکار برای دولت مرتکب ایجاد می‌گردد.^{۲۲}

علی‌رغم آنکه نظر نخستین گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل (گارسیا آمادور) این بود که اگر یک فعل یا ترک فعل در نتیجه برخی تقصیرهای دولت زیان دیده واقع گردد، دیگر قابل انتساب به یک دولت نخواهد بود،^{۲۳} طرح نهایی کمیسیون، در فصل پنجم بخش اول خود، تنها شش مورد را به عنوان عوامل رافع وصف متخلفانه رفتار ذکر کرده است که تقصیر زیان دیده جزء مصادیق مورد اشاره نیست. بر اساس ماده ۳۹ سند مزبور، فعل یا ترک فعل زیان دیده یا هر شخص یا موجودیتی که جبران خسارت در خصوص او درخواست می‌شود، تنها باید در تعیین نوع و میزان جبران خسارت مد نظر قرار بگیرد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی گابجیکوو ناگیماروس (۱۹۹۷) به این امر تصریح کرده بود: «تقصیر زیان دیده نمی‌تواند موجب توجیه عمل متخلفانه بین‌المللی گردد؛ بلکه تنها می‌تواند مبنایی برای محاسبه و تعیین میزان خسارت باشد»؛^{۲۴} بدین ترتیب، هنگامی که تقصیر زیان دیده اثبات شود، حکم خسارت باید متناسب با صدمه منتسب به زیان دیده کاهش یابد. (Ripinsky and Williams, 2008, p. 316) بنابراین دولت عربستان نمی‌تواند تقصیر حجاج را به عنوان مبنایی برای عدم مسئولیت خود مطرح کند. با این حال، علی‌رغم امکان طرح ادعای تقصیر حجاج در خصوص وقوع فاجعه، در سایر موارد، از جمله امداد رسانی و پیگیری اوضاع قربانیان و محاکمه و مجازات متخلفین، چنین ادعایی قابل طرح به نظر نمی‌رسد.

ج) مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان در فرض تلقی حادثه منا به عنوان یک امر غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل کنترل

اگر بررسی‌های قضایی، آن‌چنان که برخی از مقامات دولت عربستان گفته‌اند،^{۲۵} حکایت از آن کند که حادثه منا در اثر امری خارج از کنترل دولت و فورس ماژور

رخ داده است، مبنایی برای استناد به مسئولیت دولت عربستان وجود نخواهد داشت (وکیل، ۱۳۹۵، ص ۸۵) و این مورد، رافع مسئولیت دولت عربستان در قبال عمل متخلفانه بین‌المللی احتمالی این دولت (وقوع فاجعه منا) خواهد بود. (Crawford, 2013, p. 295) با این حال، استناد به فورس مازور، مستلزم اثبات این است که حادثه، غیر قابل پیش‌بینی و قدرت آن، غیر قابل مقاومت بوده است.^{۲۶} علاوه بر فاجعه منای سال ۱۳۹۴، که در نخستین سال برگزاری مراسم حج در دوران پادشاه جدید عربستان اتفاق افتاد، سابقه مرگ حجاج در سال‌های گذشته^{۲۷} نشان می‌دهد که فاجعه منا را نمی‌توان حادثه‌ای غیر قابل پیش‌بینی تلقی کرد. به علاوه باید توجه داشت که فورس مازور سایر موارد، از جمله امداد رسانی و پیگیری اوضاع قربانیان و محاکمه و مجازات متخلفین، را شامل نمی‌گردد. همچنین، دولت عربستان که سال‌ها میزبان جمعیت انبوه حجاج است، نمی‌تواند در عصری که سخن از علم مدیریت جمعیت انبوه می‌شود، ناتوانی‌های مدیریتی خود را به عنوان حادثه و اتفاق اعلام کند.

د) مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان در فرض رضایت زیان‌دیده

دولت عربستان نمی‌تواند رضایت برخی از دولت‌های متبوع قربانیان را مبنایی برای رفع مسئولیت خود تلقی کند؛ البته اگر بتوان اصولاً به موجب حقوق بین‌الملل، سکوت و عدم اعتراض و شکایت آنها را مبنایی برای رضایت آنها در نظر گرفت. در حقوق مسئولیت بین‌المللی، رضایت به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی زیان‌دیده، موجب رفع مسئولیت بین‌المللی ایجاد شده ناشی از آن عمل خواهد شد. ولی باید توجه داشت که زیان‌دیده اصلی در سانحه منا، افراد هستند، نه دولت‌های متبوع آنان و رضایت برخی دولت‌های متبوع قربانیان، تنها به منزله اعراض این دولت‌ها از حق استناد به مسئولیت بین‌المللی عربستان، به واسطه حمایت دیپلماتیک از اتباع خود، محسوب می‌شود.

زمان ابراز این رضایت نیز بسیار مهم است؛ بدین ترتیب که تنها رضایتی رافع مسئولیت خواهد بود که قبل یا هنگام ارتکاب عمل متخلفانه ابراز گردد و اگر رضایت پس از ارتکاب عمل اعلام گردد، به منزله اعراض (صریح یا ضمنی) از حق استناد به مسئولیت^{۲۸} تلقی خواهد گردید.^{۲۹} همچنین، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تصریح می‌کند که عامل رضایت، تنها مربوط به روابط دوجانبه میان دولت‌هاست و در وضعیت‌هایی که رضایت چند دولت لازم است، رضایت یکی از آنها، رافع وصف متخلفانه آن فعل در رابطه با سایر دولت‌ها نخواهد بود.^{۳۰} بنابراین، چنین رضایت احتمالی، خدشه‌ای بر حق سایر دولت‌های متبوع قربانیان در استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان وارد نخواهد کرد.

نکته دیگری که در خصوص توسل عربستان به عوامل رافع مسئولیت، برای گریز از زیر بار مسئولیت، لازم به ذکر است، این است که بر اساس طرح مسئولیت، در موارد نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل، استناد به عوامل رافع مسئولیت ممکن نیست^{۳۱} و از آن جایی که برخی از حقوق بشری، همچون حمایت از حق حیات، بدون تردید ماهیت آمره دارند،^{۳۲} استناد دولت عربستان به عوامل رافع مسئولیت در خصوص این موارد، محلی از اعراب نخواهد داشت. همچنین می‌توان عدم پیگیری فاجعه منا از سوی سایر دولت‌ها را به منزله کمک و مساعدت به دولت ناقض تعهدات ناشی از قاعده آمره حقوق بین‌الملل، برای تداوم نقض در سال‌های آینده تلقی کرد.^{۳۳}

نتیجه مباحث آنکه مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان، در تمامی فروض مطرح، از جمله تقصیر حجاج قربانی، کوتاهی شرکت‌های خصوصی، رضایت دولت متبوع قربانیان و تلقی این حادثه به عنوان یک امر غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل کنترل قابل احراز خواهد بود. حال که در تمام فروض ممکن، نقض تعهدات دولت عربستان محرز است و عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی نیز در این رابطه کارایی

نخواهند داشت، امکان بررسی نقض تعهدات این دولت در مراجع قضایی - داخلی و بین‌المللی - مورد مذاقه و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. سازوکارهای حقوقی پیگیری فاجعه منا

الف) امکان پیگیری فاجعه منا در مراجع قضایی داخلی

بر اساس ماده هشت قانون مجازات اسلامی ایران، هرگاه شخص غیر ایرانی، در خارج از ایران، علیه یک شخص ایرانی مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌گردد. با این حال، باید توجه داشت که این ماده تنها علیه مقامات و مأموران مسئول احتمالی - که امکان تحویل آنها از سوی دولت عربستان به ایران تقریباً محال است - قابل استفاده است و طرح دعوا علیه دولت عربستان در دادگاه‌های داخلی ایران، به دلیل مغایرت با اصل مصونیت دولت، امکان‌پذیر نیست و قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی - همان‌طور که در خود این قانون تصریح شده - تنها یک مورد استثنایی است که به عنوان اقدام متقابل در برابر دولت‌هایی که مصونیت دولت ایران را در محاکم داخلی خود نمی‌پذیرند - مثل ایالات متحده آمریکا - تصویب شده است.^{۳۴}

از آن جایی که شرط مزبور (دولت‌هایی که مصونیت دولت ایران را در محاکم داخلی خود نمی‌پذیرند) در خصوص دولت عربستان محقق نیست، استفاده از این قانون برای تعقیب دولت عربستان در دادگاه‌های داخلی ایران امکان‌پذیر نیست. اما رجوع به محاکم ملی عربستان، به این دلیل که دولت‌ها در مقابل محاکم ملی خود مصونیت ندارند، قابل تصور است (ضیایی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۶) وفق ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی، که نیاز به طرح دعوی دارد، از

طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و بین‌المللی پیگیری و نظارت کند و در همین چارچوب است که شعبه‌ای خاص در دادسرای امور جنایی تهران برای ثبت شکایت، گزارش و مستندات مربوط به فاجعه منا تشکیل شده است. (غریب‌آبادی، ۱۳۹۴)

برخلاف مشکلات طرح دعوا علیه دولت عربستان در دادگاه‌های داخلی ایران، طرح شکایت علیه کارکنان و مقامات شرکت‌های خصوصی مأمور به تأمین امنیت حج، که دفاع مصونیت نیز در خصوص آنها مطرح نمی‌گردد، به آسانی قابل تحقق است. به‌علاوه اینکه در قانون مجازات اسلامی جدید ایران، که در سال ۱۳۹۲ مورد تصویب قرار گرفت، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است^{۳۵} و این مورد، امکان طرح شکایت علیه شخصیت حقوقی این شرکت‌ها را نیز فراهم می‌آورد.

ب) سازوکارهای حقوقی پیگیری فاجعه منا در مراجع بین‌المللی

به موجب ماده ۳۳ منشور ملل متحد، طرفین یک اختلاف باید از طریق مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی، توسل به ترتیبات منطقه‌ای یا سایر طرق مسالمت‌آمیز، اختلاف خود را حل کنند. همچنین برخلاف طرق سیاسی حل و فصل اختلاف (مذاکره، تحقیق، میانجیگری و سازش)، که منجر به نتایج غیرالزام‌آور می‌شوند، شیوه‌های حقوقی حل و فصل اختلاف (رسیدگی قضایی و داوری)، نتایجی الزام‌آور به دنبال دارند.^{۳۶}

در ادامه قصد داریم تا شیوه‌های حقوقی تعقیب فاجعه منا در حقوق بین‌الملل را بررسی کنیم.

یک - پیگیری قضایی فاجعه منا در دیوان بین‌المللی دادگستری

فارغ از طرح موضوع در قالب نظریه مشورتی،^{۳۷} دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت رسیدگی به اختلافاتی را دارد که طرفین آن، قبل یا بعد از رخداد اختلاف،

به صلاحیت دیوان، جهت بررسی آن دعوی رضایت دهند. در این مورد، چون رضایت قبلی طرفین اختلاف وجود ندارد، سه حالت برای طرح اختلاف نزد دیوان متصور است:

نخست آنکه دعوای ایران، به شرط پذیرش صلاحیت دیوان از سوی عربستان، در دیوان مطرح گردد که در این صورت، شکایت مزبور، تنها پس از پذیرش خوانده (عربستان) در دیوان به ثبت خواهد رسید.^{۳۸}

حالت دوم، زمانی است که دو دولت ایران و عربستان، با انعقاد یک موافقتنامه، رسیدگی به موضوع را به دیوان ارجاع نمایند.^{۳۹} هر دوی این موارد بستگی به رضایت طرف عربستانی دارد که به نظر نمی‌رسد چنین رضایتی هیچ‌گاه ابراز گردد. سومین مورد مربوط به حالتی است که حل و فصل اختلاف ناشی از یک معاهده بین‌المللی، که دولت‌های ایران و عربستان عضو آن هستند، (مثل اساسنامه سازمان جهانی بهداشت)^{۴۰} قابل ارجاع به دیوان باشد.

دولت عربستان به پروتکل اختیاری منضم به کنوانسیون‌های روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) و روابط کنسولی (۱۹۶۳) در خصوص پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری نییوسته است؛ ولی هر دو دولت ایران و عربستان به کنوانسیون روابط کنسولی (۱۹۶۳) ملحق شده‌اند و در فرض طرح فاجعه منا در دادگاه، می‌توان مسئولیت دولت عربستان را به واسطه نقض مقررات این کنوانسیون، از جمله حق دسترسی کنسولی، محرز دانست.^{۴۱} این مسئله در خصوص کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۹)، که دولت‌های ایران و عربستان به آن پیوسته‌اند، نیز قابل طرح است.^{۴۲} اختلافات ناشی از کنوانسیون مزبور، اگر با مذاکره یا تشکیل کمیسیون سازش و پس از ارجاع موضوع به کمیته رفع تبعیض، حل و فصل نشد،^{۴۳} به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌گردد.^{۴۴} البته دولت عربستان در خصوص مقرر مذکور (ارجاع اختلاف به دیوان) قائل به شرط^{۴۵} شده است (حیدری و حسینی،

۱۳۹۵، ص ۹۴) که البته شاید بتوان شرط عربستان را، با توجه به یافته‌های اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد حق شرط، نادیده گرفت.^{۴۶} بنابراین به نظر می‌رسد با دیدگاه واقع‌بینانه باید قائل بر آن بود که دولت ایران نخواهد توانست از رهگذر مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص احقاق حقوق قربانیان ایرانی فاجعه منای طرفی ببندد. بنابراین باید سایر سازوکارهای حقوقی بین‌المللی مطمح نظر قرار گیرند.

دو - پیگیری قضایی فاجعه منای در دیوان بین‌المللی اسلامی^{۴۷}

یکی دیگر از مراجع قضایی - که امکان مطرح‌شدن فاجعه منای در آن، در آینده، وجود دارد - دیوان بین‌المللی اسلامی است که یکی از ارکان سازمان همکاری اسلامی^{۴۸} است. اعضای سازمان همکاری اسلامی می‌توانند درباره نقض یک تعهد بین‌المللی، ماهیت یا قلمروی جبران خسارت ناشی از نقض یک تعهد و حل و فصل اختلاف میان خود، به این دیوان مراجعه کنند. (ضیایی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵)

در سال ۱۹۸۱ تصمیم گرفته شد تا این دادگاه با ترکیب هفت قاضی حداقل چهل ساله، مسلمان و تبعه دولت‌های عضو (هر قاضی از یک ملیت متمایز و برای چهار سال) در کشور کویت تشکیل گردد (مواد ۳ و ۴ اساسنامه). (بیگزاده، ۱۳۹۴، ص ۸۹۹) تنها دولت‌ها امکان مراجعه به دیوان را دارند (ماده ۲۱ اساسنامه) و صلاحیت کیفری شخصی در دیوان مطرح نیست. علی‌رغم اینکه دیوان، ارگان قضایی اصلی سازمان است (ماده ۱ اساسنامه)، اختلاف میان اعضای سازمان، تنها در صورت موافقت آنها قابل رسیدگی در دیوان خواهد بود (ماده ۲۵ الف)).

قواعد اساسی لازم‌الاتباع در دیوان، شرع اسلام است^{۴۹} و معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی و رویه بین‌المللی می‌توانند به عنوان گزینه بعدی مورد استفاده قرار بگیرند (ماده ۲۷ اساسنامه). بدین ترتیب که اگر به عنوان مثال، دو دولت عضو اختلافات مرزی خود را به دیوان ببرند، دیوان فقط بر اساس قرآن و سنت تصمیم

می‌گیرد و تنها اگر در این مسیر ناتوان بود، می‌تواند به منابع ثانویه متوسل شود. با این حال، اساسنامه دیوان با عدم ذکر قواعد مذهبی شیعه یا سنی یا فرق اسلامی، از ایجاد مشکلات حقوقی پیشگیری کرده است. (Gutierrez Castillo, 2014, p. 7) به‌علاوه، از آن جایی که این دادگاه به دلیل عدم تحقق پیش شرط لزوم تصویب اساسنامه از سوی تعداد دو سوم اعضای سازمان (سازمان مزبور ۵۷ عضو دارد) (ماده ۱۱ اساسنامه)، هنوز آغاز به کار نکرده است (Tadjdini, 2012, p. 41) و در اساسنامه دادگاه نیز ارجاعی در خصوص عطف بامسابق شدن صلاحیت دادگاه به وقایع قبل از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دادگاه نشده است.^{۵۰} این موضوع ممکن است مانعی بزرگ بر سر راه مطرح‌شدن فاجعه منا در این دادگاه تلقی گردد. همچنین، با وجودی که فاجعه منا به عنوان یک اختلاف میان اعضای سازمان - ایران و عربستان - به لحاظ موضوعی قابل طرح در دیوان است، صرف عضویت این اعضا، صلاحیتی برای دیوان ایجاد نخواهد کرد و این امر منوط به رضایت طرف عربستانی خواهد بود.

ج) پیگیری فاجعه منا در سایر مراجع بین‌المللی

با توجه به مباحث قبلی و احتمال ضعیف توسل و نتیجه‌گیری در مراجع قضایی بین‌المللی، به نظر می‌رسد که با توسل به مراجع سیاسی یا دیپلماتیک، به نحو بهتری بتوان احقاق حقوق قربانیان فاجعه منا را پیگیری کرد.

یک - کمیسیون حقیقت‌یاب

تشکیل یک کمیسیون حقیقت‌یاب یکی از شیوه‌های مؤثر سیاسی برای رسیدگی به فاجعه مناست. علی‌رغم اینکه تصمیمات چنین کمیسیون‌هایی الزام‌آور نیست، می‌تواند با روشن کردن زوایای پنهان قضیه، طرف مسئول را متقاعد به پذیرش مسئولیت خود کند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۱، اعلامیه‌ای در خصوص

کمیسیون‌های حقیقت‌یاب صادر کرد که در ۳۱ بند، برخی از اصول و قواعد استفاده از آنها را تبیین کرد. (Berg, 1993, p. 107) طبق این اعلامیه، مأموریت حقیقت‌یابی می‌تواند از سوی شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیر کل سازمان ملل، بر اساس اشتغالات آنها در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مورد استفاده قرار گیرد.^{۵۱} حتی شورای حقوق بشر^{۵۲} و دبیر کل سازمان ملل نیز می‌توانند برای جلوگیری از اختلاف‌ها و وضعیت‌ها، از قابلیت‌های کمیسیون حقیقت‌یاب استفاده کنند.

تصریح اعلامیه بر لزوم رضایت قبلی دولتی که مأموریت مزبور در آن انجام خواهد شد،^{۵۳} نیز بر اساس اصل عدم مداخله تبیین شده است. (Berg, 1993, p. 108) همچنین دولت‌ها می‌توانند از ارگان‌های صالح سازمان ملل، درخواست اعزام کمیسیون حقیقت‌یاب به سرزمینشان را بنمایند و این درخواست باید بدون تأخیر بررسی شود.^{۵۴} با این حال، استفاده از کمیسیون حقیقت‌یاب سازمان ملل در یک موضوع، مانع توسل دولت‌های مرتبط با موضوع به روش تحقیق^{۵۵} یا سایر شیوه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف نخواهد شد.^{۵۶}

در این راستا، رئیس‌جمهور ایران، در سخنرانی خود، در هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۰۱۵)، که چند روز پس از وقوع فاجعه منا بود، با اعلام اینکه ابعاد فاجعه جان‌باختن و مجروح‌شدن هزاران انسان بی‌گناه از چهارگوشه جهان، فراتر از آن است که در حد یک سانحه طبیعی یا یک مسئله داخلی با آن برخورد شود، بررسی مستقل و دقیق عوامل این فاجعه و روش‌های پیشگیری از تکرار آن در آینده را خواستار شد.^{۵۷}

دو - پیگیری فاجعه منا در مراجع بین‌المللی حقوق بشر

مکانیزم‌های بررسی دوره‌ای و رویه ۱۵۰۳ در شورای حقوق بشر می‌توانند به نحو مؤثری در فاجعه منا مورد استفاده قرار بگیرند. شیوه اصلی شکایت در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد - که در کمیسیون حقوق بشر نیز وجود داشت - رویه

۱۵۰۳ است.^{۵۸} این رویه بر کلیه دولت‌ها - فارغ از عضویت آنها در کنوانسیون‌های حقوق بشری یا اینکه به قطعنامه ۱۵۰۳^{۵۹} چه رأیی داده باشند - اعمال می‌گردد. بر اساس اصل محرمانگی در رویه مزبور، که آسیب‌هایی را به دنبال دارد،^{۶۰} تنها امکان فاش شدن نام کشورهای و وجود دارد که بررسی در خصوص آنها پایان پذیرفته است^{۶۱} و حتی شکایت‌کننده نیز نمی‌تواند جریان رسیدگی را دنبال کند. (Silva, 2013, p. 104)

شیوه کار در رویه مزبور بدین صورت است که گروه کاری شکایات^{۶۲} پس از بررسی اولیه شکایت - که ممکن است از سوی افراد، گروه‌ها یا حتی سازمان‌های غیر دولتی مطرح شود - و احراز قابلیت پذیرش آن، نقض‌های ادعایی را به دولت مربوطه اطلاع می‌دهد و گروه کاری مربوط به وضعیت‌ها،^{۶۳} متن شکایت و پاسخ ارائه شده از سوی دولت را بررسی خواهد کرد و در نتیجه، توصیه‌هایی را در قالب یک گزارش به شورای حقوق بشر ارائه خواهد نمود.^{۶۴} شورا می‌تواند علاوه بر درخواست اطلاعات بیشتر از دولت مربوطه، با انتصاب یک کارشناس مستقل در خصوص بررسی بیشتر و ارائه گزارش به شورا، به رسیدگی به موضوع ادامه دهد یا در صورت تشخیص به عدم نیاز به اقدام دیگری، بررسی موضوع را متوقف کند یا اینکه به دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر توصیه نماید که به دولت مزبور کمک نماید.

دوره زمانی میان اعلان شکایت به دولت مربوطه و بررسی در شورای حقوق بشر نیز نسبتاً کوتاه خواهد بود و این زمان، حداکثر دو سال به طول خواهد کشید. به این سبب که توسل به این رویه نیاز به احراز هیچ پیش‌شرطی ندارد، حداقل این است که طرح شکایت در خصوص فاجعه منا به راحتی امکان‌پذیر است و از آن جایی که حقوق بشری متعددی در رابطه با این فاجعه نقض شده است، دستیابی به نتیجه برای خواهان‌ها، دور از انتظار نیست.

در خصوص فاجعه منا باید گفت که رویه ۱۵۰۳ به دنبال جبران خسارت فردی از

قربانیان حقوق بشر نیست، بلکه در نهایت می‌تواند به تصمیمی در خصوص ارتکاب نقض‌های فاحش حقوق بشر و لزوم جبران کلی آن منجر شود. همچنین رسیدگی در رویه مزبور، که در مدت زمان نسبتاً کوتاه انجام می‌گیرد، می‌تواند موضوع فاجعه‌منا را همواره در اذهان افکار عمومی جهان زنده نگه دارد و فشار افکار عمومی جهانی بر دولت عربستان، در جهت پذیرفتن مسئولیت خود را افزایش دهد.

برخلاف رویه ۱۵۰۳ که در کمیسیون حقوق بشر نیز وجود داشت، بررسی دوره‌ای جهانی یا «یوپی‌آر»^{۶۵} یک فرآیند مشارکتی منحصر به شورای حقوق بشر است که به عنوان یکی از مکانیزم‌های مبارزه با سیاست‌زدگی نظام حمایت از حقوق بشر سازمان ملل، از سوی مجمع عمومی این سازمان،^{۶۶} مطرح گردید. (Alston, 2011, p. 22) طبق «یوپی‌آر»، وضعیت حقوق بشر در تمامی ۱۹۳ دولت عضو ملل متحد - بدون پذیرفتن هیچ معاهده خاصی و به صرف عضویت در سازمان ملل - در هر چهار سال یک بار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (Smith, 2011, p. 570, 572) بدین ترتیب که در هر سال، «یوپی‌آر» وضعیت حقوق بشر ۴۸ دولت را بررسی می‌کند که نخستین دوره آن در سال ۲۰۰۷ آغاز شد. (Freedman, 2011, p. 305)

علاوه بر دولت‌های عضو شورا (۴۷ دولت)، سایر دولت‌های عضو سازمان ملل می‌توانند هنگامی که دولتی تحت بررسی قرار می‌گیرد، نگرانی‌های خود در خصوص وضعیت حقوق بشر در آن کشور را در قالب توصیه به آن کشور اعلام نمایند. دولت تحت بررسی باید در گزارشی که بعداً ارائه می‌دهد، گام‌ها و تدابیر اتخاذی برای رفع آن نگرانی‌ها (توصیه‌ها) را ذکر کند. در خصوص فاجعه‌منا، دولت ایران می‌تواند در دوره «یوپی‌آر»، که هر چهار سال یک بار تکرار می‌گردد، هنگام بررسی وضعیت عربستان، اعتراض خود را در مورد این فاجعه در قالب توصیه^{۶۷} مطرح کند.

۳. نتیجه‌گیری

در فاجعه منا، بدون تردید مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان، به واسطه نقض اصل رفتار با بیگانگان و نقض حقوق بشر، محرز است؛ حتی اگر سبب اصلی این حادثه را تقصیر حجاج قربانی تلقی کنیم. دشواری حصول نتیجه از طریق سازوکارهای حقوقی در این فاجعه - که عمدتاً به این سبب است که تقریباً توسل به تمامی شیوه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی نیازمند رضایت طرفین آن اختلاف است - حصول نتیجه از طرق دیپلماتیک یا سیاسی، همچون کمیسیون حقیقت‌یاب، را پررنگ‌تر می‌کند. همچنین سازوکارهایی همچون «یوپی‌آر» و رویه ۱۵۰۳ در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، که بدون رضایت طرف عربستانی قابل استفاده است، می‌توانند به نحو مناسب و کارسازی در رسیدگی به فاجعه منا استفاده شوند. با این حال، حضور و نفوذ عربستان در شورا - که علی‌رغم پیش‌شرط لزوم رعایت حقوق بشر در مورد عضویت در شورا محل تأمل است - کار را دشوار می‌کند. وضعیت حقوق بشری ایران در شورا با توجه به اینکه ایران در فهرست سیزده کشوری قرار دارد که طول فعالیت شورا، برای مسئله حقوق بشر آن، گزارشگر ویژه تعیین شده است را نیز باید در این خصوص مد نظر قرار داد.

با توجه به فجایع مشابهی که در سال‌های گذشته هنگام انجام مراسم حج رخ داده بود و هیچ پیگیری در خصوص آنها انجام نگرفت، به نظر می‌رسد که کشته‌شدن تعدادی از حجاج در مراسم حج به آرامی دارد به یک امر متداول تبدیل می‌شود. با این تفاوت که در حوادث گذشته و حتی حادثه سقوط جرتقیل، که چند روز پیش از فاجعه منای ۱۳۹۴ رخ داد، دولت عربستان مبلغی را - نه به عنوان دیه - در قبال هر قربانی پرداخت می‌کرد؛ ولی در خصوص فاجعه منا، حاضر به پرداخت هیچ مبلغی نشد. عدم پیگیری کشورهای متبوع قربانیان در فاجعه منای ۱۳۹۴ نیز اعتقاد آنها بر متداول بودن این امر را تأیید می‌کند. این رویکرد که در تناقض با عدالت و

انسانیت است، در عالم حقوق قابل پذیرش نیست. در واقع نمی‌توان پذیرفت که در شرایط خاصی، سلب حق حیات مجاز باشد.

مسئولان ایرانی از ابتدا به این فاجعه واکنش نشان دادند و خواستار پذیرش مسئولیت از سوی دولت عربستان شدند. با این حال باید واقع‌بینانه به قضیه نگریم و به دنبال احقاق حقوق قربانیان از طرق دور از ذهنی - همچون دیوان بین‌المللی دادگستری یا شورای امنیت سازمان ملل - نبود و در مسیرهایی راهبردی - مثل شورای حقوق بشر، کمیسیون حقیقت‌یاب یا محاکم داخلی ایران و عربستان که احتمال موفقیت در آنها وجود دارد - گام گذاشت. پیگیری خانواده قربانیان نیز می‌تواند در خصوص جدیت دولت ایران نسبت به پیگیری این قضیه نقش مهمی داشته باشد. حتی این خانواده‌ها می‌توانند به طور شخصی و با استخدام وکلای زبده در دادگاه‌های داخلی ایران و عربستان حضور یابند یا حتی برای گریز از هزینه‌های بالای طرح دعوی و استفاده از وکلای عرب‌زبان در دادگاه‌های عربستان، به صورت گروهی، به یک یا چند وکیل وکالت دهند. البته این گونه که از شواهد برمی‌آید، این خانواده‌ها به طور متحد، یک خواسته مشترک را دنبال نمی‌کنند. با این وجود که شعبه‌ای خاص در دادرسی امور جنایی تهران برای ثبت شکایات مرتبط با فاجعه منای سال ۱۳۹۴، تنها چند روز پس از وقوع این فاجعه، تشکیل گردید و بر اساس آماري که آقای اژه‌ای - سخنگوی قوه قضاییه - اعلام کرد، تا بهمن ماه ۱۳۹۵ تنها خانواده‌های ۲۲۰ قربانی و ۱۱ صدمه‌دیده، شکایات خود را در این دادرسی مطرح نموده‌اند. ۶۸

پی‌نوشت‌ها

- ۱ . <http://www.fardanews.com/fa/news/44> .
(تاریخ بازدید از سایت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲).
- ۲ . <http://www.isna.ir/news/94010500902> .
(تاریخ بازدید از سایت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲).
- 3 . International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, art. 4(2).
- 4 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 4.
- 5 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 2.
- 6 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, arts. 35-37.
- 7 . Most-Favoured Nation (MFN).

از شرط ملت کامله‌الوداد مندرج در معاهده مودت می‌توان در خصوص ارجاع قضیه فاجعه منا به داوری یا رسیدگی قضایی بهره گرفت. بدین ترتیب که اگر معاهدات مشابه معاهده مزبور، از سوی عربستان با سایر دولت‌ها منعقد گردیده باشد و ضمن آنها شرط ارجاع به داوری یا رسیدگی قضایی درج شده باشد، دولت ایران با توسل به شرط ملت کامله‌الوداد، می‌تواند از شرط ارجاع اختلاف به مرجع بین‌المللی بهره‌مند گردد. دیوان داوری ایکسید در رأی صلاحیتی خود در قضیه مافزینی علیه اسپانیا تصریح کرد که اگر یک

معاهده ثالث حاوی مقرراتی در خصوص حل و فصل اختلافات باشد که این امر برای حفاظت از حقوق و منافع سرمایه‌گذار خارجی مفیدتر است، چنین مقرراتی می‌تواند با توسل به شرط ملت کامله‌الوداد به منتفع از این شرط نیز تعمیم یابد، به شرط اینکه این دو معاهده دارای موضوعاتی یکسان باشند. (Emilio Agustín Maffezini v. the Kingdom of Spain, International Centre for Settlement of Investment Dispute (ICSID), Case no. ARB977, January 25, 2000, para. 56) گزارش نهایی گروه مطالعاتی در خصوص شرط ملت کامله‌الوداد، که در سال ۲۰۱۵ میلادی به کمیسیون حقوق بین‌الملل ارائه شد، شمول این شرط را در خصوص مقررات حل و فصل اختلاف، به طور کامل و مفصل، بررسی کرد. این گزارش پس از ذکر چند قضیه - که در آنها، برخی دادگاه‌های بین‌المللی این امر را پذیرفته‌اند و تعدادی دیگر آن را رد کرده‌اند- در نتیجه‌گیری پایانی اعلام می‌کند که فارغ از مواردی که شمول یا عدم شمول این شرط بر مقررات حل و فصل اختلاف از سوی طرفین تصریح می‌شود، در سایر موارد این دادگاه‌های رسیدگی‌کننده هستند که شرط ملت کامله‌الوداد را در هر قضیه و به طور جداگانه مورد تفسیر قرار می‌دهند. (Final Report of the Study Group on the Most-Favoured-Nation Clause (2015), Adopted by the International Law Commission at its sixty-seventh session, paras. 206, 216)

Albania) (Assessment of the Amount of Compensation), I.C.J. Reports 1949, p. 244, at p. 250.

19 . <http://www.icana.ir/Fa/News/285166>, (تاریخ بازدید از سایت: 22/12/1395).

20 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 1.

21 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 31(2).

22 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Commentaries of Article 31, para. 4.

23 . Garcia Amador, Sixth Report, ILC YBK 1961/II, 48.

24 . Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports. 1997, para. 80.

۲۵ . خالد عبدالعزيز الفالح وزیر بهداشت عربستان، پس از متسبب کردن حادثه به بی نظمی حجاج اعلام کرد که در هر صورت، این قضا و قدر الهی بود.
<http://tnews.ir/news/42EB48832588.html?old=1>

26 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 23.

۲۷ . برخی از حوادث منجر به فوت در مراسم حج عبارت‌اند از: ۱۴۲۶ نفر کشته در سال ۱۹۹۰ در تونل منتهی به مکان‌های مقدس؛ ۲۷۰ نفر کشته در سال ۱۹۹۴؛ ۳۴۳ نفر کشته و ۱۵۰۰ نفر زخمی در آتش‌سوزی سال ۱۹۹۷؛ ۱۱۹ نفر کشته در فاجعه سال ۱۹۹۸؛

۸ . قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت منعقدہ بین دولتین ایران و حجاز و نجد و ملحقات (۱۳۰۸)، ماده ۳.

9 . Vienna Convention on Succession of States in respect of Treaties 1978, art. 12 (1)(a).

10 . www.isna.ir/news/95021307703.

11 . www.tasnimnews.com/fa/news/1395/06/12/1171793, (تاریخ بازدید، (از سایت 22/12/1395).

12 . United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran), ICJ Reports 1980, paras. 61,63.

۱۳ . Group 4 Securicor (G4S) یک شرکت امنیتی است که مقر آن در شهر کراولی بریتانیا است و دارای بزرگترین یگان نیروهای مسلح خصوصی جهان است. این شرکت، که تسهیلات لازم و شرایط نقل و انتقال حجاج را فراهم می‌کرد، خدمات‌دهی خود به عربستان را از سال ۲۰۱۰ و بعد از تأسیس شرکت ویژه‌ای با نام المجال‌جی فوراس آغاز کرد. (صالحی و باقری، ۱۳۹۵، ص ۷۴ و ۷۵)

14 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 5.

15 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 7.

16 . Shared Responsibility.

17 . ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 47(1).

18 . Corfu Channel Case (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v.

۳۵ نفر کشته در فاجعه سال ۲۰۰۱؛ ۱۴ کشته در حادثه سال ۲۰۰۳؛ ۲۵۱ کشته در حادثه سال ۲۰۰۴؛ ۷۶ کشته در فروریختن ساختمان هتل در سال ۲۰۰۶ و ۳۸۰ کشته در حادثه‌ای دیگر در همان سال. (Hoseinpourfard and others, 2016, p. 1)

28. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 45.

29. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Commentaries of Article 20, para. 3.

30. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Commentaries of Article 20, para. 9.

31. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 26.

۳۲. برای مطالعه در خصوص برتری قواعد حقوق بشر مراجعه شود به: (مافی و بذار، ۱۳۹۵). «نظریه سلسله مراتب هنجاری در پرتو قواعد حقوق بشری با تأکید بر رویه قضایی بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و ششم، ش ۴، ص ۱۰۲۷-۱۰۴۸

33. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 41(2).

۳۴. قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، ۱۳۹۱، ماده ۱.

۳۵. قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۹۲، ماده ۱۸.

۳۶. شیوه‌های حقوقی نیز خود به دو دسته کیفری و غیر کیفری تقسیم می‌گردند که به دلیل بعید بودن توسل به شیوه‌های کیفری، در متن مقاله مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. در این خصوص که صرفاً مسئولیت کیفری سران، مقامات و مأموران عربستانی قابل طرح است، دو مورد دیوان بین‌المللی کیفری و تشکیل دادگاه‌های کیفری ad hoc قابل ذکر است. در خصوص دیوان بین‌المللی کیفری، از آن جایی که حادثه منا در سرزمین یک دولت غیر عضو دیوان بین‌المللی کیفری (عربستان) رخ داده است، بر اساس بند الف ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، امکان طرح موضوع وجود ندارد. بنابراین قضیه منا صرفاً می‌تواند با ارجاع شورای امنیت سازمان ملل متحد، بر اساس یک قطعنامه فصل هفتمی (که بسیار نامحتمل به نظر می‌رسد) یا با شروع به تحقیقات از سوی دادستان دیوان، در دیوان تحت رسیدگی قرار بگیرد. مسئله صلاحیت ذاتی دیوان، مشکل دیگری است. از میان جرایم تحت صلاحیت دیوان، تنها نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت در مورد فاجعه منا قابل تصور است و از آن جایی که قربانیان فاجعه منا، اتباع دولت‌های مختلفی هستند، اثبات قصد نابودکردن (Intent to Destroy) یک گروه به عنوان عنصر معنوی جرم نسل‌زدایی و اثبات یک حمله سیستماتیک یا گسترده در جنایت علیه بشریت، کار چندان آسانی نخواهد بود. در خصوص تشکیل یک دادگاه ad hoc به دلیل عدم موافقت احتمالی

عربستان، موفقیت تقریباً دست نیافتنی است. حتی اقدام مستقل شورای امنیت نیز با توجه به رویه این نهاد، امکان پذیر نیست. شورا در سوابق قبلی خود (تشکیل دادگاه یوگسلاوی و رواندا)، موضوع را در دستور کار خود داشت و پس از بررسی زوایای مختلف موضوع، چنین تصمیمی را اتخاذ کرد؛ حال آنکه فاجعه منا هیچ عکس العمل قابل ذکری را از سوی سازمان ملل به دنبال نداشته است.

۳۷. بر اساس ماده ۹۶ منشور ملل متحد، به دو صورت می توان از دیوان درخواست نظر مشورتی کرد. شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص کلیه موضوعات حقوقی می توانند اقدام به چنین درخواستی کنند. دیگر ارکان سازمان ملل و آژانس های تخصصی آن نیز تنها در مورد مسائل حقوقی - که در حوزه فعالیتشان است - و با اجازه مجمع عمومی، امکان توسل به چنین اقدامی را می یابند. در خصوص مورد اخیر می توان به ماده ۷۶ اساسنامه سازمان بهداشت جهانی اشاره کرد. با توجه به کم میلی شورای امنیت نسبت به توسل به دیوان (شورا در تمام سال های فعالیت خود، تنها یک بار در قضیه آثار حقوقی حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا (۱۹۷۰) از دیوان درخواست نظریه مشورتی نموده است) و اینکه در دو حالت دیگر، دولت های عربی به آسانی می توانند با اکثریتی که در مجمع عمومی دارند، مانع درخواست صدور نظریه مشورتی شوند، به نظر نمی رسد که بتوان در قالب یک نظریه مشورتی، نظر دیوان را در خصوص فاجعه

منا شنید.

38. Rules of International Court of Justice, art. 38(5).

39. Rules of International Court of Justice, art. 39.

۴۰. طبق ماده ۷۵ اساسنامه سازمان جهانی بهداشت، هر اختلاف ناشی از این سند - که طرفین اساسنامه نتوانند آن را با مذاکره یا توسل به مجمع بهداشت حل و فصل نمایند - به دیوان ارجاع خواهد شد. با توجه به اینکه اساسنامه، عمدتاً به مسائل مربوط به بودجه، ارکان و عضویت سازمان و مسائل مربوط به اصلاح و تفسیر اساسنامه می پردازد، نشان دادن اختلاف ناشی از این سند بسیار مشکل است. از این رو اگر هدف سازمان جهانی بهداشت - نیل به بالاترین سطح ممکن از بهداشت برای همه انسان ها (ماده ۲) را به طور موسع تفسیر نماییم، موضوع کاهش مرگ انسان ها (حق حیات) را که در نهایت، تمامی تدابیر بهداشتی و مسائل مربوط به سلامت، که از سوی این سازمان اتخاذ می شود و برای نیل به این هدف است، نیز شامل می گردد. همچنین تعریف واژه بهداشت در مقدمه اساسنامه نیز می تواند تا حد بسیار زیادی به مستحکم تر شدن تفسیر ارائه شده کمک کند: «بهداشت، یک وضعیت رفاه یا بهزیستی اجتماعی، روحی و فیزیکی کامل است و صرفاً به معنای فقدان بیماری و ناتوانی نیست». با این حال، پذیرش چنین تفسیر موسعی، قدری بعید به نظر می رسد و هیچ رویه ای که مؤید چنین تفسیری باشد قابل ذکر نیست.

۴۱. بر اساس بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون روابط کنسولی (۱۹۶۳)، در موارد مرگ یک تبعه بیگانه، اطلاعات مرتبط با مرگ او باید بدون تأخیر به کنسولگری دولت متبوع شخص متوفا گزارش داده شود. این در حالی است که دولت عربستان هنوز تعداد دقیقی از آمار کشته‌شدگان فاجعه منا را اعلام نکرده است.

۴۲. از آنجایی که فاجعه منا از اتباع کشورهای متعددی قربانی گرفته است، نشان دادن اختلاف میان ایران و عربستان در خصوص کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی، بسیار مشکل است. با این حال، می‌توان روی تبعیض گروه‌های امداد میان ایرانیان و سایرین تمرکز کرد که اثبات این امر نیز دشوار است.

43. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination Adopted and opened for signature and ratification by General Assembly resolution 2106 (XX) of 21 December 1965 entry into force 4 January 1969, arts. 11-14.

44. Ibid. art. 22.

۴۵. دولت عربستان علاوه بر نپذیرفتن ماده ۲۲ کنوانسیون در خصوص ارجاع اختلاف به دیوان، شرط دیگری را نیز هنگام تصویب این کنوانسیون ذکر کرده است: عربستان اعلام کرده است که مقررات کنوانسیون را تنها مشروط به عدم مغایرت با شرع اسلام، اجرا خواهد کرد.

۴۶. کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش سال ۲۰۱۱ خود تصریح می‌کند: هنگامی که حق شرط اعمال شده بر یک معاهده، مستثناکننده

یا تعدیل‌کننده آثار حقوقی یک مقرر اساسی آن معاهده باشد، بدون تردید با موضوع و هدف معاهده مغایر خواهد بود. (Guide to Practice on Reservations to Treaties ((2011, A/66/10/Add.1, para. 3.1.5.7(i) کمیسیون به قضیه اقدامات مسلحانه در سرزمین کنگو در دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره می‌کند که در آن قضیه، دیوان اعلام کرد که حق شرط دولت خوانده (رواندا) بر مقرر معاهده در خصوص شیوه حل و فصل اختلاف ناشی از معاهده به این سبب مخالف موضوع و هدف معاهده نیست که تنها بر صلاحیت دیوان تأثیرگذار است و این حق شرط، بر تعهدات ماهوی این دولت بر اساس معاهده تأثیری نخواهد گذاشت. (Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), I.C.J. Reports 2006, para. 67 همچنین، کمیسیون به موضوع حق شرط بر معاهدات حقوق بشری می‌پردازد و در این خصوص بیان می‌کند که نهادهای معاهداتی حقوق بشری، خود را برای تصمیم‌گیری در خصوص حق شرط‌هایی محق می‌دانند که به نظر آنها در مغایرت با موضوع و هدف معاهده مزبور هستند. (Guide to Practice on Reservations to Treaties 2011, para. 3.2(5)) (A/66/10/Add.1, para. 3.2(5)) به‌علاوه، گزارش مزبور به قضیه رائل کندی علیه ترینیداد و توباگو اشاره می‌کند که در آن، کمیته حقوق بشر حتی ماده‌ای از میثاق حقوق بین‌المللی مدنی و سیاسی را، که مشمول حق

چنین کمیسیونی کرده است.

53 . Declaration on Fact-finding by the United Nations in the Field of the Maintenance of International Peace and Security, A/RES/46/59, 9 December 1991, para. 6.

54 . Declaration on Fact-finding by the United Nations in the Field of the Maintenance of International Peace and Security, A/RES/46/59, 9 December 1991, para. 18.

55 . Inquiry.

56 . Declaration on Fact-finding by the United Nations in the Field of the Maintenance of International Peace and Security, A/RES/46/59, 9 December 1991, para. 30.

www.farsnews.com/newstext. ۵۷

php?nn=13940706001459 (تاریخ بازدید

از سایت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲).

علاوه بر مقام معظم رهبری (http://www.

isna.ir/news/95061711356) تشکیل

کمیسیون حقیقت‌یاب از سوی سایر مقامات ایرانی از جمله رئیس مجلس شورای

اسلامی ایران (https://www.tasnimnews.

com/fa/news/1395/06/22/1184642

و رئیس سازمان حج و زیارت ایران

(http://www.hajnews.ir/Default.)

asp?tabid=89&ID=7097 نیز درخواست

شد.

۵۸ . البته رویه ۱۵۰۳، که در کمیسیون حقوق

بشر وجود داشت، با جایگزین شدن شورای

شرط دولت خوانده بود، به عنوان حق نقض

شده از سوی آن دولت اعلام کرد. (Rawle)

Kennedy v. Trinidad and Tobago,

(CCPR/C/67/D/845/1999

47 . International Islamic Court of Justice (IICJ).

48 . Organization of the Islamic Conference (OIC).

«سازمان کنفرانس اسلامی»، که مقر آن در جدّه

عربستان و مقر اروپایی آن در ژنو سوئیس

است، تا سال ۲۰۱۱ با نام «سازمان همکاری

اسلامی» شناخته می‌شد.

۴۹ . این برای نخستین بار در حقوق بین‌الملل

است که یک دادگاه می‌تواند شرع اسلام را

در خصوص حل و فصل اختلافات بین‌المللی

اعمال کند.

۵۰ . در دادگاه‌های بین‌المللی - برخلاف

دادگاه‌های داخلی - اصل عطف به‌سابق

نشدن به طور کامل رعایت نمی‌گردد؛

برای مثال، دادگاه بین‌المللی کیفری برای

یوگسلاوی سابق، پس از واقعه ایجاد شد،

ولی به موجب تصریح اساسنامه صلاحیت آن

به اقدامات قبل از ایجاد آن تعمیم داده شد.

51 . Declaration on Fact-finding by the

United Nations in the Field of the

Maintenance of International Peace and

Security, A/RES/46/59, 9 December

1991, para. 7.

۵۲ . شورای حقوق بشر تاکنون در خصوص

کشورهای لبنان، سودان، اسرائیل، لیبی، ساحل

عاج، سوریه، کره، سریلانکا، اریتره، عراق،

بروندی و سودان جنوبی اقدام به تشکیل

حقوق بشر به جای کمیسیون و در پی قطعنامه صادره از سوی نهاد جدید (Human Rights Council resolution 5/1 of 18 June 2007) با اندک تفاوت‌هایی از جمله عینیت، شفافیت بیشتر و قربانی محور بودن رویه - به کار خود ادامه داد.

59 . Economic and Social Council (ECOSOC) Resolution 1503 (XLVIII) of 27 May 1970.

قطعنامه ۱۵۰۳ به دو نهاد سازمان ملل متحد - کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر - اجازه می‌داد که شکایت‌های مربوط به نقض حقوق بشر را بررسی کند.

۶۰ . یکی از نتایجی که از محرمانگی ناشی می‌شود، عدم وجود اطلاعات و یافته‌های عمومی است که در کنار اطلاع بررسی، به ایجاد یک عدم تمایل عمومی، برای مراجعه به رویه ۱۵۰۳، منجر می‌شود.

۶۱ . البته شورا می‌تواند تصمیم بگیرد که موضوع را به صورت علنی بررسی کند. شورا در مورد قرقیزستان (۲۰۰۶) و اریتره (۲۰۱۲) چنین تصمیمی را اتخاذ کرد.

62 . The Working Group on Communications.

63 . The Working Group on Situations.

۶۴ . رویه ۱۵۰۳ در شورای حقوق بشر تاکنون در مورد کشورهای قرقیزستان (۲۰۰۶)، ازبکستان و ایران (۲۰۰۷)، مالدیو (۲۰۰۸)، گینه (۲۰۰۹)، تاجیکستان (۲۰۱۱)، اریتره (۲۰۱۲)، عراق (۲۰۱۲)، کنگو (۲۰۱۲)،

ترکمنستان (۲۰۱۲) و کامرون (۲۰۱۴) مورد استفاده قرار گرفته است.
<http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/ComplaintProcedure/Pages/HRCComplaintProcedureIndex.aspx>
 65 . Universal Periodic Review (UPR).
 66 . GA Resolution 60/251, 15 March 2006.
 67 . Recommendation.
 68 . <http://khabarfarsi.com/u/32080054>.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. بیگزاده، ابراهیم، (۱۳۹۴)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات مجد، چاپ چهارم.
۲. حیدری، بهرام و حسینی، سیدمحمد، (۱۳۹۵)، «تأملی بر سازوکارهای حقوقی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف ایران و عربستان در خصوص فاجعه منا»، مجموعه مقالات بررسی ابعاد حقوقی فاجعه منا، سازمان بسیج حقوقدانان، ۸۱-۱۰۳.
۳. زمانی، سیدقاسم، (۱۳۹۴)، نشست بررسی راهکارهای حقوقی پیگیری فاجعه منا، دانشگاه تهران، هجدهم.
۴. صالحی، محمدخلیل و باقری، زهرا، (۱۳۹۵)، «فاجعه منا از منظر حقوق

۸۳-۹۹.

۱۱. یزدانی، عنایت‌الله، (۱۳۹۵)، «تأثیر بحران‌های داخلی عربستان بر وقوع و مدیریت فاجعه منا»، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۹ (۷۳)، ۷-۳۲.

ب) انگلیسی:

12. Alston, Philip. (2011), "Hobbling the Monitors: Should UN Human Rights Monitors Be Accountable?" Harvard International Law Journal, 52, pp. 1-73.
13. Berg, Axel. (1993), "The 1991 Declaration on Fact-finding by the United Nations," European Journal of International Law, 4, pp. 107-114.
14. Crawford, James, (2013). State Responsibility: The General Part, Cambridge University Press.
15. D.J. Harris, (2007). Cases and Materials on International Law, Fifth edition, Sweet and Maxwell Pub.
16. Freedman, Rosa. (2011), "New Mechanisms of the UN Human Rights Council," Netherlands Quarterly of Human Rights, 29 (3), pp. 289-323.
17. Gutierrez Castillo, Victor Luis. (2014), "The Organization of Islamic Cooperation in

کیفری»، مجموعه مقالات ابعاد حقوقی

فاجعه منا، پژوهشکده حج و زیارت، ۶۳-۱۲۲.

۵. ضیایی، سیدياسر، (۱۳۹۵)، «فاجعه منا از منظر حقوق بین‌الملل»، مجموعه مقالات ابعاد حقوقی فاجعه منا، پژوهشکده حج و زیارت، ۱۴۱-۱۶۶.

۶. عبداللهی، محسن، (۱۳۹۵)، «مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان سعودی برای واقعه منای سال ۱۳۹۴»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۷۲، ۱۱۳-۱۴۵.

۷. غریب‌آبادی، کاظم، (۱۳۹۴)، نشست بررسی راهکارهای حقوقی پیگیری فاجعه منا، دانشگاه تهران، هجدهم.

۸. مافی، همایون و بذّار، وحید، (۱۳۹۵)، «نظریه سلسله مراتب هنجاری در پرتو قواعد حقوق بشری با تأکید بر رویه قضایی بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶ (۴)، ۲۷-۱۰۴۸.

۹. مشهدی، علی، (۱۳۹۵)، «حادثه منا از منظر حقوق عمومی و حقوق بشر»، مجموعه مقالات ابعاد حقوقی فاجعه منا، پژوهشکده حج و زیارت، ۱۲۳-۱۴۱.

۱۰. وکیل، امیرساعد، (۱۳۹۵)، «بررسی ظرفیت‌های حقوقی در واکنش به فاجعه منا»، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۹ (۷۳)،

- Different? Preliminary Observations on the Contribution of Universal Periodic Review with Reference to the Chinese Experience,” Chinese Journal of International Law, 10, pp. 565-586.
24. Somarajah, M. (2010), The International Law on Foreign Investment, Cambridge University Press, Third edition.
25. Tadjdini, Azin. (2012), “The Organisation of Islamic Cooperation and Regional Challenges to International Law and Security,” Amsterdam Law Forum, 4 (2), pp. 36-48.
26. Tudor, Ioana. (2008), the Fair and Equitable Treatment Standard in the International Law of Foreign Investment, Oxford University Press.
- Contemporary International Society,” Revista Electronica de Estudios Internacionales, 27, pp. 1-21.
18. Hoseinpouarfard, Mohammadjavad and Ghanei, Mostafa and Tofighi, Shahram and Ayoubian, Ali and Izadi, Morteza. (2016), “The Emergence of Hajj Stampedes: Lessons for Draw near in the Islamic Values in Hajj Trauma Centers Accreditation,” Trauma Mon (Inpress), pp. 1-5.
19. Ripinsky, Sergey and Williams, Kevin. (2008), Damages in International Investment Law, British Institute of International and Comparative Law.
20. Salamati, Payman and Rahimi-Movaghar, Vafa. (2016), “Hajj Stampede in Mina, 2015: Need for Intervention,” Arch Trauma Res, 5 (2), pp. 1-2.
21. Shaw QC, Malcolm N. (2008), International Law, Cambridge University Press, Sixth edition.
22. Silva, Marisa Viegas E. (2013), “The United Nations Human Rights Council: Six Years On,” International Journal on Human Rights, 10 (18), pp. 96-113.
23. Smith, Rhona K.M. (2013), “More of the Same or Something